

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۹ جون ۲۰۱۵

مجلس هفدهم (دراهتمام به رزق)

شیخ عبدالقادر (قَدَسَ سِرُّهُ)، بامداد روز جمعه چهارم ذی القعدة سال ۵۴۵ هجری قمری در مدرسه فرمودند: تمام هم خود را در طلب روزی به کار میر، زیرا روزی، ترا شدیدتر از تو میطلبد. هرگاه رزق یک روز رابه دست آوردی، در فکر روزی فردامباش. دیروز گذشته است و معلوم نیست که آیا فردا را درک خواهی کرد یا نه، پس به امروز بپرداز. هرگاه خدا را حقیقتاً شناختی، طلب روزی، ترا زیاد اوباز نمی دارد. هرآن که خدا را شناخت زبانش گنگ می شود. مرد عارف در پیشگاه حق همواره لال است، تا هنگامی که خداوند اراده کند که به خاطر مصالح مردم، وی را گویا کند. وقتی که زبان او به امر حق گویا شد و گنگی از آن رفع گردید، به ارشاد خلق مأمور می شود.

موسی علیه السلام، زمانی که گوسفند می چراند، دارای لکننت زبان بود و از سخن گفتن عادی ناتوان وقتی خداوند اراده فرمود که مامور تبلیغ رسالت شود، آن حضرت از خداوند درخواست نمود: «وَ اَخْلَنُ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُ قَوْلِي» (گره و لکننت را از زبانم بردار تا گفتارم را بشنوند و بفهمند. سوره طه آیت ۲۷).

گوئی، وقتی در میان مردم به شبانی اشتغال داشت، نیازی به گویا و فصیح احساس نمی کرد، اما پس از رسیدن به مقام نبوت نیاز به فصاحت پیدا کرد، لذا از خداوند درخواست نمود تا لکننت زبانش برطرف شود. در حالی که در کودکی که نزد فرعون و آسیه بود، نود کلمه فصیح و مفهوم دار را آموخت، ولی خداوند دانه آتش را در دهانش نهاد تا بنا به مصلحت حال دچار لکننت زبان گردید.

(یا غلام) ترامی بینم که شناخت نسبت به خدا و رسول اندک است، با اولیاء بیگانه ای، ابدال را کاملاً نمی شناسی، از معنی تهی هستی، به سان قفسی هستی که پرنده ای در آن نباشد، یامانند خانه ای خالی از سکنه و ویران، یابه مثل درختی که خشک شده باشد و برگهایش ریخته، دارای صورت ظاهری و از معنی و محتوی به دور.

آبادانی قلب بنده در گرو تسلیم به حق و تحقیق درباره حقایق است. خود را به حق تسلیم کن، سراپای وجودت را بدو واگذار، و غیر او را از دل بیرون ران، عربان از تمام علایق مادی در پیشگاه ذات حق قرار بگیر. هر وقت خدای عزوجل خواست، ترا لباس عافیت دین می پوشاند و به سوی خلق روانه می کند تا با اجرای اوامر خدا و دستورات رسول (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) به انجام امر به معروف و نهی از منکر بپردازد و همواره مترصد اوامر خداوندی درباره خویش باشی. همانگونه که موسی علیه السلام فرمود: «وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَى» (شتابان به سویت آمدم، تا از من راضی شوی، سوره طه آیت ۸۴). از دنیا و آخرت و همه مردم بریدم، تمام اسباب و مسببات را از نظر دور داشتم، اربابان دنیوی را از خود راندم، شتابان به سویت آمدم که مرا ببخشانی و از من خشنود گردی.

ای جاهل چه چیز ترا برآن داشته است، که بندگی شهوات نفسانی و دنیا و خلق را برگزینی، و از خدای عزوجل به دور باشی؟ مردم را در سود و زیان خود مؤثر می دانی، تودرکنار بهشتی و امید داخل شدن به آن را داری و درکنار دوزخی و از داخل شدن در آن بیمناکی، این امید های بیهوده را در سر نپروران. شما در اختیار کسی هستید که اودگرگون کننده قلوب و دیدگان است، آن کسی که هرگاه بچیزی بگوید: باش فوراً می شود.

(یاغلام) به عبادات خویش مغرور مشو، از خداوند مقبولیت آنها را درخواست کن و بترس از این که غیر این باشد. چگونه احساس امنیت می کنی، درحالی که ممکن است تمام طاعات و عبادات، معصیت به شمار آورده شود. وصفای درونت را به کدورت بدل سازند. هرکس خدای را به حقیقت شناخت به هیچ چیز دلبستگی پیدانمی کند و به هیچ عملی مغرور نمی گردد، امنیت حاصل نمی کند تا این که باایمان سالم از دنیا خارج شود.

(یاقوم) بر شما لازم است که بیشتر به اعمال قلبی توجه کنید، و در تمام کارها اخلاص کامل داشته باشید. اخلاص کامل آنست که غیر خدا، به چیزی ننگرید، و (البته) شناخت خداوند بنیان این کار است. مابیشتر شمارا دروغگویان درگفتار و اعمال می بینم، چه در پنهان و چه آشکار. در افعالتان ثبات ندارید و در اعمالتان خلوص مشاهده نمی شود. اگر با محک آزمایشی که در دست دارم شمارا بیازامایم، موزربودنتان روشن می شود، اگر زرنخالص وجود شما در آتش امتحان گذاخته و در قالب آزمایش ریخته شود، بزودی فضیحت ها و رسوائیها بارمی آید، آنگاه سفیدوسپاهی مشخص می گردد. و تمام اعمالی که برای رضای خلق انجام داده ای، در روز قیامت بدین سان مورد بررسی قرار می گیرد، بدان هر عملی که برای غیر باشد، باطل است. بنابراین اعمالت را برای رضای خدا انجام بده و دوستی را مدنظر داشته باش و مقبولیت را از او بخواه. «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ».

به نفی و اثبات پرداز، آنچه را که لایق ذات حق نیست از او نفی کن، و آنچه را که شایسته اوست، و خودسزای خویش دانسته و رسولش را بدان امر فرموده، اثبات نما. هرگاه به این عمل مبادرت نمودی، تشبیه و تعطیل از قلبت زوده خواهد شد، بدین معنی که نه برای خداوند مثل ومانندی قائل می شوی و نه صفاتش را انکار می کنی، خدا و رسول و بندگان صالحش را به بزرگی و عظمت خواهی ستود.

اگر طالب فلاح و رستگاری هستی، جز باحسن ادب نزد من حاضر مشو. در تمام جمع مؤدبین گفتار بیهوده را ترک کن. آشپز خوراکی را که می پزد می شناسد، نانوا به شناخت نان داناست، هر صنعتکاری نسبت به مصنوع خویش واقف است، کسی که داعی است به احوال مدعوین آگاهی دارد.

دنیا دوستی دلت را کور کرده است، و بآن چیزی نمی بینی، از آن (دنیا دوستی) بپرهیز، چه هرگاه در وجود تمکن حاصل کرد، ابتداء از خمر و بنگ مادیات بیخودت می کند، و دست و پایت را قطع می کند (کنایه است از عدم توانائی جهت طی مسیر حق) و سپس به نابودیت می کشاند. هر وقت اثر آن خمر و بنگ زائل شد، آنگاه است که می دانی چه به روزگارت آورده است. اینست نتیجه دنیا دوستی و به سوی آن دویدن و بدان حرص و آرزو داشتن، پس تمامی توانی از آن بگریز.

(یاغلام) تازمانی که حب دنیا را در دل داری، روی رستگاری نخواهی دید. و تو ای مدعی خدا دوستی، تا وقتی که تنها و تنها حب ذات حق در دلت جاگزین نشود، روی سلامت و نجات نمی بینی. عارف واقعی نه دنیا را طالب است و نه آخرت را بلکه از هر دو جهان فقط ذات حق رامی خواهد. هنگامی که عشق حق در دلی جای گرفت، قسمتها و نعمتهای دنیوی نیز، گوارا و پاکیزه به سوی او می آید، و همین که از دنیا رخت بریست، بهتر از آنچه را که پشت سر خو گذاشته است، در درگاه حق می یابد، زیرا در دنیا همه چیزش را در راه رضای حق انفاق کرده است.

اولیاء الله (رحمة الله علیهم اجمعین) را بهره های دنیوی اعطا می شود، اما آنان از آن کنار می گیرند، زیرا حظ و بهره دل را باطنی می دانند و نصیب نفس را ظاهری، و می دانند که بهره قلب نمی رسد الا به کناره گیری از بهره ظاهری. هرگاه از حظ نفس به دورماندی، درهای نعمت قلب برویت گشوده می شود. تا این که قلب از بهره خود اظهار بی نیازی کند،

آنگاه از جانب حق نعمت نفس نیز واصل می گردد، وبنده مخاطب قرار می گیرد که: نفس خویش را مکش و باکمال اطمینان از بهره اوتناول نما.

همنشینی با کسانی را که به دنیا ترغیب می کنند ترک کن و به مجالست کسانی که ترابه ترک دنیا تشویق می کنند پرداز. جنس متمایل به همجنس است، در اطراف همدیگر می گردند، دوستدار هر چیزی بادوستداران آن معاشر است، تا محبوب خود را در میان آنان پیدا کند. دوستداران خدائیز یکدیگر رادوست دارند و همدیگر راتقویت می نمایند. در دعوت خلق به سوی خدا پشتیبان هم اند، و دعوتشان به ایمان مبتنی بر توحید صرف است. اخلاص در عمل آنان رادر انجام وظیفه یاری می کند.

هر کس دیگری را خدمت کرد، خود نیز مخدوم می شود، هر کس نیکی کرد، با او نیز نیکی کرده می شود، هر کس بخشش کرد، به او بخشش می شود. هرگاه فرجام کارت در خو آتش بود، فردا در آتش جای داری. «**كَمَا تَدِينُ تُدَانُ كَمَا تَكُونُوا يُوَلَّوْنَ عَلَيْكُمْ**» - (به هر دست که دادی به همان دست گرفتی، هر سان که شایستگی داشته باشید، همانگونه بر شما فرمان می رانند).

اعمال برای رضای حکام است. عمل اهل آتش رانجام می دهی و امید بهشت داری، چه امید و انتظار بیهوده ای؟! صاحب دلان در دنیا کسانی هستند، که اعمالشان قلبی است، تنها جوارح و اعضاء بسنده نمی کنند. چون مخلص کسبست که باقلب و جوارح توأم، به عمل می پردازد، اعمال قلبی را بر اعمال اعضاء برتری می دهد. اعمال چه در خلوت چه آشکار، صرفاً به خاطر رضای خداست. مؤمن زنده و منافق به منزله مرده می باشد. منافق به خاطر رضای مردم عمل می کند، و از آنان انتظار ستایش و بخشش دارد. مؤمن در ظاهر و باطن، آشکار و پنهان، در راحت و سختی فقط خداوند را منظور نظر دارد. اما عمل منافق تنها ظاهری است و در حال رفاه و خوشی، هرگاه رنجی بدو رسد خدا را فراموش می کند و دیگر عمل در کار نیست، زیرا ایمان به خدا ندارد، به یاد روز قیامت و حساب و کتاب نیست، اسلامش بدین منظور است که خود دارائی اش در دنیا سلامت باشند، روزه می گیرد، نماز می خواند، به تحصیل علم می پردازد، اما همه برای جلب رضایت خلق است و هرگاه از انظار مردم دور شد، باز به کار خود و کفر خویش برمی گردد.

بارخدا یا از اینگونه حالتی به تو پناه می آوریم، و از تومی خواهیم که در دنیا و آخرت ما را ازین بلیه برهانی آمین.

(یا غلام) بر تو لازم است که در اعمال اخلاص داشته باشی، چشم انتظار از عملت بردار، و از خلق و خالق درخواست پاداش مکن، بلکه هر عملی که انجام می دهی فقط برای رضای خدا باشد، نه برای نعمت و پاداش. از کسانی باش که قصد شان از انجام عمل نیکو لقاء الله است. در طلب دیدار حق باش، چون هرگاه به آن موهبت رسیدی، به واقع در دنیا و آخرت به نعیم بهشت دست یافته ای، در دنیا از طریق قرب خداوند، و در آخرت با مشاهده جلال و عظمت حق سبحانه و تعالی، زیرا این پاداش بزرگ از سوی خداوند تضمین گردیده است.

(یا غلام) وجودت، مالت، همه رابه دست قدرت حق بسپار، مال رابه خریدارش تسلیم کن و فردا (فردای قیامت) بهای آن را دریافت نما.

ای بندگان خدا، خویشتن خویش رابه خدا بسپارید. کالا و بها در اختیار اوست. بگوئید: وجود، مال و ثروت، بهشت، برای تو، ما جز توجیزی دیگر نمی خواهیم.

ای کسی که در انتظار بهشتی، بدان که گاه خرید آن امروز است، نه فردا. جویبارهای روان (آن را) امروز می توان به دست آورد، نه فردا.

(یا قوم) روز قیامت دلها و دیدگان منقلب می شوند، پاها می لغزند، در آن روز هر مؤمنی بر قدمهای ایمان و تقوا استوار است. ثبات و پایداری متناسب بان اندازه قدرت و ایمان است. در آن روز «**بِعِضِّ الظَّالِمِ عَلَى يَدَيْهِ**» - (هر ظالمی دست

خود را می‌گزد) که چراستمگری نمود. هر مفسدی دست خود را می‌گزد که چرا فساد کردم، و نیک کردار نبودم، چگونه در پیشگاه مولا حاضر شوم.

(یا غلام) به اعمال و کردار خود مغرور مشو، زیرا پایان کار مجهول است، از خدای بخواه که سرانجامت را خیر گرداند، و با ایمان دنیا را ترک نمائی. از توبه شکستن و بازگشت به معصیت بر حذر باش و هوشیار. به گفتار مغرضین و دشمنان فریفته مشو، که توبه اش را بشکنی، از هوای نفس و شیطان اندرونی پیروی مکن، که ترا به مخالفت مولا می‌خوانند، گناه امروز و فردا و عصیان در برابر حق ترا خواری می‌دارد، و کسی قادر به یاری ات نخواهد بود.

« خداوند، ما را به اطاعت و فرمانبرداری از خودت و اداری ساز و به نل معصیت خواری مگردان!»

« و آتنا فی الدنيا حسنه و فی الآخرة حسنه و قنا عذاب النار» آمین.